



صادرات غیر نفتی نقاشی های نفیس از موزه هنرهای معاصر!

# فرار نقش ها!

◀ نهاد های نظارتی در پاسخ به شهر ونگ: مدیرش که راضیه، وزیرم نداره منم که خوابم!

◀ مدیر موزه هنرهای معاصر: ما راضی، گالری دارهای اروپایی راضی... لعنت به هر چی ناراضی!

◀ اثر هنری ایرانی: بابا بگذارید بریم به آب و هوایی عوض کنیم! از وحید خزایی که کمتر نیستیم!

◀ اثر هنری خارجی: من نگویم مراد وطنم قاب کنید بی خبر برده اروپا و ما آب کنید!

# حزب مو تلفه لیست امید خود را تکذیب کرد!

◀ گفته می شد یکی از آقایان میر سلیم، بادامچیان و آل اسحاق از طرف این حزب برای کاندیداتوری ریاست جمهوری معرفی خواهند شد که بعدا تکذیب شد!

◀ موجی از ناامیدی و یأس میلیون ها طرفدار این افراد را گرفته است!

◀ علاقه مندان برای فهمیدن اینکه مادر باره چه کسانی شوخی می کنیم اسامی شان را گوگل کنند!

#دنبالم\_نیا\_اسیر\_میشی #لیست\_برادران\_امیدوار

## کوچه اول

**علی اکبر محمدخانی** | اون روزی رفتم دکتر، گفتم: دکتر دلم خیلی گرفته، دکتر گفت: برو اون پشت دراز بکش... گفتم: فکر نمی کنید برای حال و هوای شاعرانه پاییز باشه؟ گفت: شما پزشکی؟ گفتم: نه، گفت: پس برو دراز بکش، منم رفتم دراز کشیدم، دیدم دکتر با یه پرستار اومدن بالای سرم، دکتر گفت: نبض مریضو بگیرید، پرستار دستشو کرد تو حلقم، سر روده مو کشید بیرون، گفت: دکتر این؟ دکتر گفت: این نبضه؟ پرستاره گفت: پَن نبضه؟ دیدم دکتر سرشو تگون داد، گفت: همین کارارو می کنید که هر چی می شه می گن! خطای پزشکی، بعد به لوله آورد کرد تو حلقم، رفت لب پنجره داد کشید: مَش قرون روشن کن... بعدم اومد گفت: نگران نباش، احتمالا یه چیزی گیر کرده سَر دلت، این مَش قرون از خوبای تخلیه چاهه، کارش حرف نداره، سنگم باشه می کشه بیرون، شما هم خطای این پرستارو به پای همه جامعه پزشکی نویس، هیچی خلاصه با هر بدبختی بود، دلم وا شد.

## کوچه دوم

ارمغان زمان فشمی |

### خاطره

«ز لطف بر بادنده تاندهی بریادم»  
گشت از شاد گرفته است هنوز از یادم هست یادت که گرفتند دو تایی ما را  
من ولی جای تو امضا و تعهد دادم؟! |

### فیلتر رنگ

برایت گویم امروز از تو بیشتر  
در این سرویس ممنوعه ندانم  
چرا عصبون آنهارا گریه داند؟  
که توی کشور ما هست فیلتر  
که مسئولان چرا هستند حاضر  
اگر بد نیست، باشد از چه فیلتر؟ |

کیوان زرگری | کارتون نویس | keyvanzargari@yahoo.com

## در حاشیه یک تلاش ۴۰ ساله برای خریدن یا خریدن هواپیماهای جدید



## تلفنخونه

**اسامی رنگی** | - آقا این چه وضعه؟ ما ز صدوا سیما ناراضی هستیم!  
- چطور برادر جان!  
- آقا صدوا سیما ای ما که حال نمی کنه مسابقات فوتبال اروپایی رو که نشون نمیده، در نتیجه ما هر هفته باید برویم خانه همسایه ما که ماهواره دارند فوتبال رو ببینیم، چند روز پیش هم مسابقات فوتبال جوانان رو پخش نکردند، ما مجبور شدیم از تلویزیون تاجیکستان ببینیم، خوب این که نمیشه ما برای احتیاجاتمان بریم طرف خارجی ها که اینظوری باشد برای تفریح کردن ما هم برویم خارج، برای سریال دیدن هم از ماهواره ببینیم، برای درس خواندن هم برویم آنور مرزا! احتمالا برای دوا و درمان هم مجبور می شویم برویم کشورهای دیگر! برای به فنا نرفتن با پراید و وانت پیکان لابد باید ماشین خارجی بخریم! کتاب بخوایم بخریم هم لابد نمایشگاه فرانکفورت باید بریم! اهه!  
- خوب برادر من فکر کردی مردم الان دارند چه کار می کنند؟! همین کار را می کنند دیگه!

## زورخونه

### آب نداشتن و نان داشتن!

کمیسیون ها و کمیته های نظارتی رئیس دفتر می خواهند، منشی مرد می خواهند، ماشین و راننده می خواهند، دفتر و دستک می خواهند، کلی اقازاده و فامیل و حتی بانجاق که هیچ وقت فامیل نمی شود صاحب شغل آبرومند و درست و حسابی خواهند شد!  
حالا وسط روزنامه خواندن یک صدایی از جایی آمد، کمی تأمل کردم و چون بویی احساس نکردم، حدس زدم باید صدای تلگرام باشد! تلگرام را نگاه کردم فیلم مراسم دبروز بزرگداشت کوروش کبیر در پاساگار آمده بود که ملت با حفظ فرهنگ دوهزار و ۵۰۰ ساله شان از روی ترده های محافظ پریده و نزدیک آرامگاه شده بودند! گویا کمی هم برخورد پیش آمده بود! خواستم ضمن طلب آموزش برای آن عزیزانی که سوار بولدوزر شده بودند که کلا تخت جمشید و پاساگار را از بین ببرد و جلوی این مشکلات این روزها را بگیرد و الکی بودجه کشور را صرف این قرتی بازی ها نشود، خدمت مسئولان بگویم حالا آن زمان نشد با بولدوزر خدمت این آثار باستانی برسند، الان شما چرا غافلید؟! خوب کلا سستون های تخت جمشید و چند تادانه سنگ مقبره کوروش را همراه این تابلوهایی که از موزه هنرهای معاصر دارید از کشور رد می کنید، بفرستید خارج! بفرستید برود

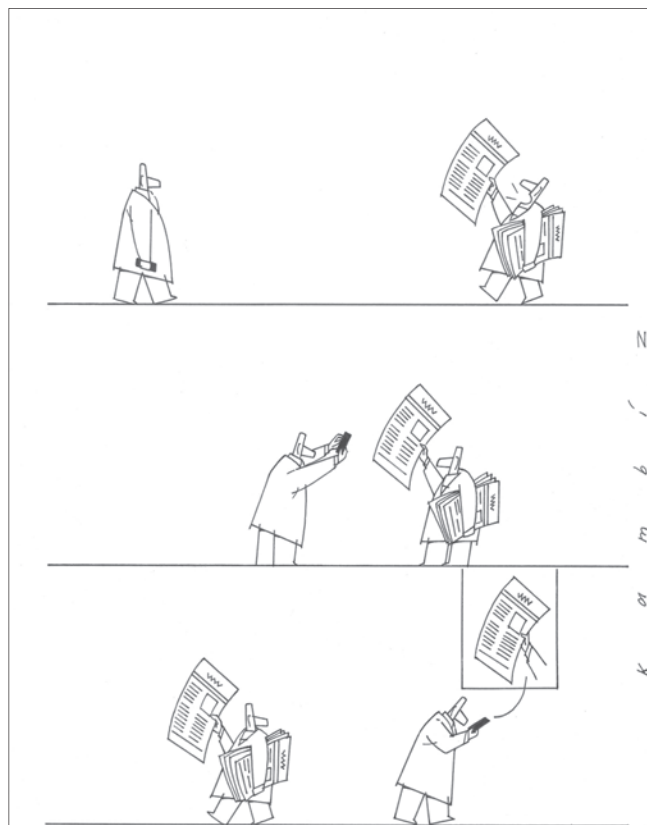


سوشیان شجاعی فرد | طرز نویس | sooghian.fard@gmail.com

از آنجایی که یک ساعت کار در هفته ما را از لیست بیکاران کشور خط می زند، گفتیم؛ یک کاری انجام بدهیم و گرهی از مشکلات باز کنیم؛ و خوب چون همه مشکلات کشور در روزنامه ها و سایت های خبری جمع شده اند، لکن یک روزنامه باز کردم و شروع کردم به خواندن!  
دیدم علی مطهری گفته، اگر قرار است شورای نگهبان در طول دوران نمایندگی بر مجلس نظارت کند، یک عده هم باید بر شورای نگهبان نظارت کنند! خوب است! خیلی هم خوب است! یک عده بر شورای نگهبان نظارت کنند، بعد یک کمیسیون نظارت بر کمیسیون نظارت بر نظارتان شورای نگهبان تأسیس بشود، بعد یک شورای عالی نظارت بر کمیسیون نظارت بر کمیته نظارت بر نظارتان شورای نگهبان تشکیل بدهند که خیال همه راحت شود و قشنگ چهار قفله بشود! شما تصور بکنید با این راه حل چقدر شغل در این اوضاع بیکاری درست می شود؟! هر کدام از این شوراها و

## شهر فرنگ

کامیاز درم بخش | کارتون نویس |



## شهر ونگ

## گمشده ها

### هر منو لوزی هزینه های فرهنگی و زبان لال آرایشی



**شهرام شهیدی**  
طرز نویس | sharam\_shahidi@yahoo.com  
در خیرها آمده بود هر ایرانی در سال ۱۳۰ هزار تومان برای تفریح و فرهنگ خرج می کند و ۴۲۰ هزار تومان برای لوازم آرایشی. من به عنوان سردمدار ستون گمشده ها هر چه به جیب خودم نگاه کردم و به سر بی مو و یال و کوپال نداشتم، نفهمیدم این ۴۲۰ هزار تومان سهم من در خرید لوازم آرایش دقیقا خرج چه چیزی شده؟! حالا قسمت فرهنگش هم این قدر ناچیز است که قابل رصد نیست برای همین به این ارقام شک کردم و با خودم گفتم: به عنوان متولی گمشده ها دوره بیفتم بین دیگر شهروندان و ببینم نظر آنها در مورد صحت و سقم این ارقام چیست؟

**سوسن، خانه دار:** بذارین دقیق خدمتتون عرض کنم، ببینین اقامون هفته ای دویسار روزنامه می خره که ما سبزی اش و فرمه و سبزی خوردن را روی اون پاک کنیم، چون دسته جمعی این کار را می کنیم برای امر فرهنگی سبزی پاک کردن مقداری هم نقلات می خرم و یک سی دی باب اسفنجی هم هریار می خرم که بچه هایم گندسرا کتون دیدنشان و مزاحم ما نشوند. با این حساب آره اقامون سالی صد و ۳۰ هزار تومان را خرج فرهنگ ما می کند و معلومه قرون بند کفشش برم هیچ پولی را این وسطها پولی نکرده.

**اسی، سر گذر:** بین مشتکی، یک قلیان می خرم پنجاه شمت تومن. دیگه چی؟ تنباکوی دو سیبب و زغال و فویل آلومینیومی و بند و بساط هم همچین ۱۰-۱۱ تومن. منتهای هر بار که جمع بشیم دیگه باید اینو حساب کنیم. آره به نظرم رفتمش جوربه در مورد لوازم آرایشی هم نمی دونم خالکوبی کردن و روغن مالی بعدش اگر جز این امار شما هست که آره جور میشه من خودم سالی یک بار یک جای بدنم میدم خالکوبی کنن. یک بار میدم بنویسن دریای غم ساحل نداره. یک بار می نویسن عشق فقط لیلادغه دیگه تغییر کاربری میدم میشه بیتا. جوره عدت عزیزم **مهیار، دانشجوی سینما:** به نظر من رقم اعلام شده در مورد فرهنگ خیلی کم است. خود من هر ماه کلی پول اینترنتت بر سرعت میدم که بشینم سریال های جدید و فیلم های رو پرده را رایگان دانلود کنم، اما این رایگان اسمش برای شما رایگانه. من در اصل کلی پول بابت اینترنتت میدم که جزو هزینه های فرهنگیم. در مورد مخارج آرایشی هم خوب از بس تولد و سالگرد آشنایی و سالگرد هبب شندن و ولنتاین و کوفت و زهرمار تو سال داریم که برای هر کدام یک گرم پودر ساده یا ریمل هم بگیرم از این امار شما مینه بالاتر.

**عزت، لب حوض:** یعنی شوما می فرمایید من با این ریخت و هیبت ۴۰۰ چاقو خرج اینتا می کنم؟! دکوراسیونت باید تغییر کنه؟ هر چند نکنه این عیال از جیب ما بریداره خرج تیشان فیشان خودش می کنه سهم منو هم؟! اهلی...

**ساناز، شهر ونگ:** من روزنامه نگار هستم. هزینه ای که من بابت فرهنگ میدم خیلی بیشتر از اینه. ببینین من هر روز روزنامه خودمان را می خرم ببینم کارم چپ شده یا نه همین را حساب کیند می شود سالی دویست و هشتاد و نود تومن. در مورد هزینه لوازم آرایش هم سوالتان خصوصی است و نمی توانم در مورد ریز مخارجم با شما صحبت کنم. بگم هم قابل چاپ نیست.

**رستم:** من سالی یک قلم هزینه فرهنگی دارم. یک چماق می خرم که همین حدود آمار شما خرج بر میداره و بعد میفتم به جون اهل فرهنگ. اینم خرج فرهنگی دیگه نیست؟

هر منو لوزی هزینه های فرهنگی و زبان لال آرایشی | شهر ونگ | شماره پنجاه و دوم | ۹۸۰ | ۱۳۹۵ | سال چهارم | شنبه ۹ آبان ۱۳۹۵ | ۱۹ |